

## اهل بیت (علیهم‌السلام) در آیه تطهیر

سید معصوم حسینی\*

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی

(تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۷ تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۹)

### چکیده

یکی از مهم‌ترین آیات قرآن مجید آیه شریفه تطهیر می‌باشد که از دیرباز از سوی علمای علم کلام و مفسرین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و هرکس از زاویه دید خود به آن نگریسته و پیرامون آن مطالبی را بیان کرده است. نگارنده در این مقاله به بررسی دلالت آیه تطهیر و شناسایی مصادیق واژه «اهل بیت» در آن پرداخته است. هرچند بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت در ذیل آیه شریفه روایاتی نقل کرده‌اند که مؤید انحصار مصادیق این آیه در پنج تن آل عبا می‌باشد. اما گروهی از آنها در مقام نظریه‌پردازی بعضی از همسران پیامبر (ص) را به عنوان مصداق واژه اهل بیت نام می‌برند، ولی با توجه به روایات متواتر که از طریق خاصه و همچنین بعضی از عامه وارد شده است، نزول آیه را مختص پنج تن می‌دانند و حکم به عصمت آنها نمودند.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، آیه تطهیر، اهل بیت، اهل کساء، عصمت.

---

\*. E-mail: hosseini@quran.ac.ir

## مقدمه

کلمه «اهل‌البیت» در موارد بسیار زیادی در سخنان پیامبر (ص) برای گروه خاصی که به آن حضرت منسوب بودند، به کار رفته است. روایتی را شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: «من دو گوهر گرانبها در میان شما به یادگار گذاشته‌ام و تا زمانی که به آن دو چنگ زنید، گرفتار ضلالت و گمراهی نمی‌شوید. آن دو گوهر، کتاب خدا و عترت من است که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض به من برگردند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَانَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۰۰).

یکی از آثار اتحاد و یگانگی قرآن کریم و عترت طاهره این است که این هر دو یادگار پیامبر (ص) انسان‌ها را به صراط مستقیم الهی که موجب حیات طیبه و نجات از مرگ جاهلی است، دعوت می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. . .» (انفال/۲۴). از دیگر آثار این اتحاد و یگانگی این است که هر یک از این دو مخاطبان خود را به دیگری فرا می‌خواند: قرآن عینی، جامعه بشری را به قرآن علمی فرا می‌خواند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «لَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضَلُّوا؛ هِدَايَتِ رَأْسِ غَيْرِ قُرْآنِ مَجُوبِيْدِ كِهْ گمراه خواهید شد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۸۹: ۱۱۷). چنانکه قرآن علمی نیز جامعه را به تبعیت و پیروی از قرآن عینی دعوت می‌کند: «...مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید. . .» (حشر/۷). بنابراین اعتراض از هر یک از آن دو، عملی جاهلانه و دور از عقل و سیره عقلا خواهد بود.

خداوند متعال هر یک از این دو گوهر گرانبها را مصون و معصوم معرفی فرموده است. درباره عصمت کتاب خود می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ: ما قرآن را نازل کردیم و ما قطعاً نگهدار آنیم» (فجر/۹). آیات متعددی از قرآن کریم بر طهارت، عصمت اهل بیت و امامان (ع) دلالت دارد که یکی از آنها آیه تطهیر است. روایات زیادی بر تعیین مصادیق آیه دلالت دارند، لیکن گویا غبار تعصب و گرد غفلت بر دیدگان برخی نشسته، حقیقت را در هاله‌ای از اوهام می‌نگرند که از درک آن عاجز و از بیان آن گریزانند. این مختصر تلاش دارد از

لابلای الفاظ آیه و زوایای روایات حقیقت را تبیین نماید و مصادیق واقعی آیه تطهیر را معرفی نماید.

لفظ اهل بیت سه بار در قرآن کریم آمده است:

اول) در داستان حضرت موسی (ع) آنگاه که نوزادی کوچک بود و مادرش او را درون صندوقچه گذاشت و در رود نیل انداخت و دست تقدیر او را به خانواده فرعون رساند، ولی این طفل پستان هیچ زنی را به دهان نگرفت. آنگاه خواهر موسی به آنان گفت: «فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» \* فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ...: گفت: آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیر خواه او باشند؟ \* ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند» (قصص/۱۳-۱۲). در این آیه شریفه قرینه‌ای وجود ندارد که منظور خواهر موسی (ع) از این تعبیر چه بود؟

- آیا منظورش تمام کسانی بود که با آن خانواده قرابت و خویشاوندی داشتند یا بعضی از آنان؟

- آیا منظورش فقط قرابت نسبی است یا نسبی و سببی؟

- گذشته از این، لفظ «اهل بیت» به صیغه نکره آمده است نه به صیغه معرفه؛ یعنی اهل‌البیت!

دوم) در داستان ابراهیم آنگاه که همسرش از بشارت فرشتگان که به او می‌زده دادند اسحاق و پس از او یعقوب را به دنیا خواهد آورد، به شگفت آمد، ملائکه به او گفتند: «قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»: گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکات او بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است» (هود/۷۳).

در این آیه شریفه، همسر ابراهیم (ع) از اهل بیت شمرده شده است؛ زیرا او در این آیه‌ی مبارکه مورد خطاب قرار گرفته است. اما این نمی‌تواند دلیل این مطلب باشد که همسر هم در تمام مواردی که لفظ اهل بیت اطلاق شده، حتی در مواردی هم که قرینه مناسب برای تعیین مقصود وجود ندارد، جزء اهل بیت است؛ زیرا توجیه خطاب در آیه مذکور به همسر ابراهیم (ع) می‌تواند قرینه‌ای برای داخل شدن وی در زمره‌ی اهل بیت باشد، اما نمی‌تواند دلالت کند بر اینکه اهل بیت را هم در بر می‌گیرد. به گونه‌ای که به مجرد شنیدن این کلمه و بی‌هیچ قرینه‌ای باید به ذهن شنونده تبادر کند. به دلیل اینکه ام سلمه، همسر پیامبر (ص)، گفت: ای پیامبر خدا آیا من هم هستم؟ فرمود: تو بر جای خود باش، تو خوبی (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۳:

۷). هیچ مانعی ندارد کسانی که جزء اهل بیت پیامبر اسلام (ص) باشند و بر اثر جدا کردن مکتب خود از نظر معنوی از اهل بیت خارج شوند.

سوم) در آیه شریفه تطهیر که از مهم‌ترین ادله قرآنی در باره فضیلت و برتری اهل بیت (ع) محسوب می‌گردد. آیه تطهیر در واقع در قسمت پایانی آیه سی و سه از سوره احزاب قرار گرفته است که از سوره‌های مدنی به حساب می‌آید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا \* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا \* وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا: ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمارلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. \* و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید. خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. \* آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود، یاد کنید. خداوند لطیف و خبیر است» (احزاب/۳۴-۳۲).

آیه تطهیر در بین آیاتی از سوره احزاب قرار گرفته است که مربوط به همسران رسول گرامی (ص) است، چون خداوند متعال در آیات ۲۸ تا ۳۴ این سوره مبارکه همسران پیامبر اسلام (ص) را مورد خطاب قرار داده و دستوره‌های مهمی را به آنان داده است.

### جایگاه آیه تطهیر

ائمه (ع) به این آیه مباهات می‌کردند و آن را دلیل حقانیت خویش می‌دانستند. امام امیرالمؤمنین (ع) در روز شورا با توجه به این آیه فرمود: «شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا در میان شما کسی هست که آیه تطهیر درباره او نازل شده باشد؟ آن هنگام که پیامبر خدا (ص) من و فاطمه و حسن و حسین (ع) را زیر عبای خبیری گرد آورد و گفت: خدایا اینها اهل بیت من هستند، سپس رجس و پلیدی را از ایشان دور کن و پاک و مطهرشان گردان. اعضای شورا همگی جواب دادند: نه» (عروسی حویزی، بی تا، ج ۴: ۹۱).

امام حسن مجتبی (ع) نیز بعد از پذیرش صلح تحمیلی با طاغوت شام در سخنرانی خود در حضور معاویه، ضمن برشماری فضایل و کمالات خاندان خویش، به این حادثه تاریخی اشاره فرموده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۸۸ق: ۵۶۵).

امام سجّاد (ع) با اینکه در اسارت اُمویان و اهالی شام به چشم خارجی به او نگاه می‌کردند، حقانیت خود را با استعانت از آیه مزبور این گونه به آن مرد شامی که برای تحقیر و سرزنش آن حضرت آمده بود، اعلام فرمود: «آیا آیه» *«انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس»* را در سوره احزاب خوانده‌ای؟ عرض کرد: مگر مراد این آیه شما هستی؟! فرمودند: بله، مقصود آیه ما هستیم» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۷).

این گونه روایات که نمونه‌های آن فراوان است، نشان می‌دهد که امامان شیعه (ع) معتقد بودند این آیه مخصوص آنهاست، لذا این جُستار درباره آیه در دو بخش انجام می‌شود: بخش اول) محتوا و مفهوم آیه. بخش دوم) تعیین مصادیق آیه.

### بخش اول) محتوا و مفهوم آیه

واژه «اهل» در لغت به معنای «أنس و قرابت» آمده است (فیومی، ۱۴۰۹ق: ۲۸) و واژه «بیت» به معنای «محلّ سکونت و جای بیوته» است (همان: ۶۸). راغب اصفهانی می‌گوید: «بیت» به معنای خانه است؛ جایی که انسان شبانگاه در آنجا پناه می‌گیرد» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۹).

اصل «اهل‌البیت» در لغت به معنای «خویشاوند فرد» است که با او قرابت و خویشاوندی داشته باشند (فیومی، ۱۴۰۹ق: ۳۳)، ولی به طور مطلق در معنای عام‌تری که شامل تمامی افرادی که در نسب، دین، مسکن، وطن و شهر با فردی شریک باشند نیز استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ۳۹).

«اهل بیت» در اصطلاح قرآن، حدیث و علم کلام به معنای خانواده پیامبر گرامی (ص) است. این اصطلاح در این معنی در آیه تطهیر یعنی آیه ۳۳ سوره احزاب بکار رفته است. همه مفسران شیعه (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۳۲) و بسیاری از مفسران اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۲۲: ۶) اعتقاد راسخ دارند که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء یعنی حضرت محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) نازل شده است و منظور از «اهل بیت»، آنها هستند. همچنین در احادیث زیادی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، این اصطلاح بر بقیّه امامان یعنی امام سجّاد (ع) تا امام زمان (عج) نیز اطلاق شده است (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۶: ۳۳۶).

«اهل بیت» در اصل، «اهل بیت النبوه» بود که جهت اختصار (اهل‌البیت) گفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۰). اگر چه در قرآن کریم، «بیت» در معنای «خانه سنگی و خشتی» استعمال شده است (... أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ... : اینک بخورید از خانه‌های خودتان ...).

(نور/۶۱)، لیکن مراد از بیت در «اهل بیت النبوه»، «خانه خشتی و سنگی و بیت سکونت» نیست؛ زیرا هر جا که بیت سکونت مراد بود، به صورت جمع و همراه با اضافه به ضمیر «کن» آمده است.

ترکیب «اهل بیت النبوه» در فرهنگ مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، معنای خاصی پیدا کرده است و برای افراد مخصوص علم شده است. اختلافی که وجود دارد به دایره شمول این ترکیب بر می‌گردد که این افراد مخصوص چه کسانی هستند؟ که بدین پرسش در بخش بعدی تعیین مصداق پاسخ داده خواهد شد. اما آنچه اینجا باید مطرح شود این است که اضافه «بیت» به «النبوه»، اضافه «لامیه» است؛ یعنی «بیت للنبوه». بنابراین خانه متعلق به مقام نبوت مراد است نه خانه متعلق به محمد بن عبدالله (ص) به عنوان یک شهروند مکی یا مدنی (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۴).

ارتباط با هر خانه، رفت و آمد، وابستگی، پیوستگی و اهلیت پیدا کردن با آن از طریق اسباب و مقدمات متناسب با همان خانه امکان دارد. ارتباط با خانه پیامبر گرامی اسلام از طریق قرابت سببی، نسبی، رفاقت، رحامت، همسایگی و... ممکن است. از این روی، نه تنها زنان آن حضرت و فرزندان او با خانه‌اش ارتباط داشتند، بلکه بستگان دیگر نیز با خانه او (ص) در ارتباط بودند. چنانکه قبل از فتح مکه، ابوسفیان در حالی که هنوز در شرک به سر می‌برد، وارد خانه دختر خود، حبیبه، همسر آن حضرت (ص)، شد. . . (ابن هشام، بی تا ج ۴: ۳۸). اما ارتباط با بیتی که منسوب به مقام نبوت است، به اسباب مخصوصی نیاز دارد و ارتباط سببی و نسبی و... کفایت نمی‌کند. با این ملاک حتی کسانی که همانند نه امام بعد از امام حسین (ع) که زمان حیات پیغمبر اکرم را درک نکردند یا احیاناً خانه او را در مکه و مدینه ندیده‌اند نیز می‌توانند اهل بیت نبوت باشند.

بدین ترتیب، «بیت» در این ترکیب به معنای خانه سنگی و گلی که در مکه و مدینه از پیامبر (ص) به یادگار مانده، نیست، بلکه بیت نبوت و رسالت مراد است؛ یعنی خانه شخصیت حقوقی پیغمبر نه خانه شخصیت حقیقی آن حضرت (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۶).

واژه «إنما» از کلمات حصر شمرده شده، مفید این معنا هست که خداوند سبحان در موضوع مورد بحث اراده دیگری غیر از تطهیر و اذهاب رجس ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۳۰۹). «پلیدی» که در این آیه از آن سخن گفته شده، از همه برطرف نشده، بلکه از افراد خاص که در آیه آمده برطرف گردیده است؛ زیرا تقوای عادی و معمولی شامل همه مسلمانان می‌شود و پرهیز از گناهان و معاصی بر همه واجب است، اما آنچه مقصود این آیه است و مخصوص افراد خاصی، باید چیزی مخصوص و فراتر از تقوای معمولی باشد.

واژه «یرید» فعل مضارع است از «أرَادَ» که ثلاثی مجرد آن «رود» است («رود» به معنای «طلب همراه با اختیار و انتخاب» می‌آید) (مصطفوی، ۱۳۹۵ق: ماده «رَوَد»). منظور از اراده خداوند چیست؟ آیا اراده تشریحی است یا اراده تکوینی منظور است؟ در پاسخ به این پرسش اخیر باید گفت که منظور از «اراده» در آیه شریفه، اراده تکوینی است؛ زیرا دستور به پاکی و تقوا مخصوص اهل بیت نیست، بلکه این دستور عام است و شامل همه مسلمانان می‌شود، در حالی که مقتضای «إنما» این است که چیز تازه‌ای به اهل بیت اختصاص داده شد که شامل همه مسلمانان نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). نتیجه اینکه خداوند متعال با اراده تکوینی خویش موهبتی به اهل بیت فرموده و نیرویی به نام «عصمت» در وجود آنان آفریده که هر پلیدی و ناپاکی را از آنها دور می‌کند و همواره پاک و خالی از گناه و خطا خواهند بود.

### واژه «الرجس»

منظور از «رجس» چیست؟ «رجس» به معنای «پلیدی» است. گاه بر پلیدی‌های ظاهری مادی اطلاق می‌شود و گاه در پلیدی‌های معنوی استعمال می‌شود و گاه در هر دو به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۹۴). قرآن کریم هم به هر سه مورد اشاره دارد. در رابطه با پلیدی معنوی در آیه ۱۲۵ سوره مبارکه توبه، درباره پلیدی ظاهری در آیه ۱۴۵ سوره مبارکه انعام و در باب پلیدی معنوی و ظاهری در آیه ۹۰ سوره مبارکه مائده بکار رفته است. بنابراین، «رجس» در آیات قرآن معانی عامی دارد و شامل هر گونه پلیدی ظاهری و معنوی و اخلاقی و عقیدتی و جسمی و روحی و روانی می‌شود. سپس خداوند در آیه تطهیر به اراده تکوینی هرگونه پلیدی (با تمام وسعت معانی آن) را از اهل بیت (ع) دور کرده و آنها را تطهیر فرموده است. دلیل این مطلب، اطلاق این کلمه در آیه شریفه است. «الرجس» در آیه شریفه مقید به قید و مشروط به شرطی نشده و به طور مطلق و بدون قید و شرط بیان شده و شامل هر نوع پلیدی می‌گردد.

### تعیین مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر و نقد و بررسی آنها

آیه تطهیر همچون برخی آیات معروف قرآن کریم از نظر مصداق مورد اختلاف قرار گرفته و درباره آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. در این بخش به تعدادی از این اقوال اشاره می‌گردد.

۱- برخی مفسران اهل سنت، اهل بیت را به همسران پیامبر اسلام تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۸؛ قرطبی، محمد ابن احمد ۱۴۲۳، ج ۶: ۵۲۶). طبق این تفسیر، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) جزء اهل بیت نیستند. دلیل این نظریه این است که آیه تطهیر در بین آیاتی است که همگی مربوط به زنان پیامبر (ص) است؛ هم آیات قبل از آن و هم آیه پس از آن. پس سیاق آیه اقتضا می‌کند که این آیه شریفه نیز مربوط به همسران پیامبر می‌باشد.

### نقد و بررسی نظریه

این نظریه به چند دلیل باطل است:

اول) در آیات قبل از آیه تطهیر تمام ضمائر و فعل‌ها به صورت مؤنث آمده است و در آیه بعد از آیه تطهیر نیز دو مورد فعل و ضمیر مؤنث بکار رفته است. اما ضمائر و افعال آیه تطهیر همه مذکر است که یا اختصاص به مردان دارد و یا شامل مردان و زنان هر دو می‌شود. ولی قطعاً شامل عدّه خاصی از زنان تنها نمی‌شود. نتیجه این است که طبق این بیان، منظور از اهل بیت نمی‌تواند همسران پیامبر (ص) باشد.

دوم) اهل بیت باید عصمت مطلقه داشته باشند (عصمت اهل بیت از طریق ادله عقلی و نقلی قابل اثبات است) و هیچ یک از مفسران اهل سنت هم برای همسران پیامبر (ص) عصمت قائل نشده‌اند.

سوم) روایات زیادی از طریق شیعه و سنی داریم که اهل بیت پیامبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) است نه زنان پیامبر (این روایات در پایان بحث خواهد آمد و مسأله سیاق نیز در ادامه توضیح داده خواهد شد).

۲- نظریه دوم این است که منظور از اهل‌البیت، شخص پیامبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) و همسران پیامبر (ص) می‌باشد (رازی، بی‌تا، ج ۲۵: ۲۰۹).

### نقد و بررسی نظریه

طبق این نظریه، اشکال اول نظریه اول از بین می‌رود، چون مجموعه‌ای از زنان و مردان می‌توانند مخاطب ضمیر مذکر باشند، ولی دو اشکال دیگر که در نظریه اول وجود داشت، نسبت به زنان پیامبر در اینجا هم مطرح می‌شود. پس این نظریه نیز قابل قبول نیست.



۳- نظریه سوم این است که منظور از اهل‌البیت افراد خاصی از خاندان پیامبر (ص)، یعنی علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) و در رأس آنها شخص پیامبر (ص) می‌باشد. این نظریه تمام علمای شیعه است و هیچ یک از اشکالات فوق بر آن وارد نیست. شاهد بر صحت این نظریه، علاوه بر روایات فراوان دال بر آن، در *المیزان* تعداد این روایات را بیش از ۷۰ روایت می‌داند (طباطبائی، سید محمد حسن، *المیزان*، ج ۱۶: صص ۱۹=۱۹۹).

جالب این است که بیشتر روایات مذکور در کتب دست اول اهل سنت آمده است (ر.ک؛ ابن حجاج قشیری، بی تا، ج ۴: ۱۸۸۳، *احقاق الحق*، ج ۲: ۵۰۳، حسکانی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۰ و احمد حنبل، بی تا، ج ۱: ۳۳۰ و ...).

روایاتی که «اهل‌البیت» را تفسیر می‌کند، از نظر تعداد و اعتبار قابل شمارش و بحث نیست. از میان همه آنها، به خاطر آنکه بحث به طول نینجامد، تنها به ذکر یک حدیث یعنی حدیث کساء اکتفا می‌شود.

روزی مقداری پارچه برای پیامبر (ص) آوردند. پیامبر (ص) به دنبال علی (ع)، فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) فرستاد. آنها به خدمت پیامبر (ص) رسیدند و حضرت آنها را زیر پارچه قرار داد، سپس فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلَ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي إِذْ هَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا».

در کتب اهل سنت در ذیل این روایت، جمله زیر نیز آمده است: أم سلمه جلو آمد و از پیامبر اجازه خواست که او هم زیر آن پارچه قرار گیرد و به جمع بپیوندد. پیامبر (ص) فرمود: تو آدم خوبی هستی، ولی اینجا جای تو نیست (حسکانی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۲۴). در حدیث دیگری همین جریان برای عایشه نیز نقل شده است (همان: ۳۷). در حدیث دیگری از پیامبر (ص) آمده است: «آن حضرت پس از این ماجرا هر روز بعد از اذان صبح و قبل از اقامه نماز جماعت، جلوی خانه علی و فاطمه می‌ایستاد و این جمله را تکرار می‌فرمود: «الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا». این کار را برای شش ماه مداوم و پی در پی تکرار فرمود» (همان: ۱۲-۱۱).

### پاسخ به شبهات

از دیر باز به اعتقادات شیعه امامیه نسبت به آیه تطهیر شبهاتی مطرح بوده است که در پایان این مقاله به برخی از این شبهات مطرح و پاسخ داده خواهد شد.

۱- صاحب تفسیر محاسن التأویل از ابن تیمیة نقل می‌کند که وی گفته است: «این آیه دلالت بر عصمت علی (ع) ندارد، چون خبر از اراده الهی می‌دهد و می‌گوید: خدا تطهیر اهل‌البیت را اراده کرده است، لیکن دلیلی نداریم که این اراده الهی حتماً واقع شده باشد، چنان‌که در بسیاری از آیات قرآن کریم از اراده‌های الهی خبر داده شده، در حالی که همه آنها واقع نگردیده است» (قاسمی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۰۷).

در پاسخ بدین سخن می‌توان گفت که اگرچه ایشان به تقسیم اراده الهی به تکوینی و تشریحی توجه داشته، لیکن این دو را با هم خلط کرده است. در آیه تطهیر اراده تکوینی مقصود است که تخلف نمی‌پذیرد، در حالی که در آیاتی که به قول ایشان تخلف پذیرفته، اراده تشریحی مقصود است.

۲- دعای رسول اکرم (ص) که پس از جمع کردن آنها در زیر عبا فرمود: «اللَّهُمَّ هَوِّلْ أَهْلَ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ» دلالت می‌کند که آنها معصوم نبوده‌اند؛ زیرا چنین دعایی برای معصوم تحصیل حاصل و کاری لغو است (همان: ۵۰۷).

در پاسخ به این اشکال دو جواب داده شده است: جواب نقضی و جواب حلّی. جواب نقضی این است که اگر واقعاً چنین باشد، پس «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که پیغمبر اکرم (ص) در نماز و غیر نماز می‌گفت و هدایت‌الاهی را طلب می‌کرد، چه معنایی داشت؟! مگر آن حضرت هدایت شده نبود که چنین دعا می‌کرد؟ جواب حلّی نیز این است که هدایت، اِذْهَابِ رَجْسِ، تطهیر، غفران و امثال آن دارای مراتب و درجات است که از ابتدایی‌ترین مرحله شروع و تا بی‌نهایت ادامه دارد. اگر مراتب نازل و اولیّه این امور با عصمت ناسازگار باشد، مراتب عالیّه آن سازگار است. از این رو، پیغمبر اکرم و سایر معصومین و هدایت‌شدگان نیز با وجود دستیابی به مراحل عالیّه هدایت مرتبه عالی‌تر را طلب می‌کردند (عروسی حویزی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰). در بقیّه امور یعنی تطهیر، اِذْهَابِ رَجْسِ و... نیز اینگونه است.

۳- یکی از شبهاتی که در باره آیه تطهیر مطرح شده و سبب گردیده که برخی گمان برند منظور از اهل‌البیت زنان پیامبر (ص) هستند، مسأله رعایت وحدت سیاق آیات مبارکه است. لذا برخی معتقدند آیات مذکور قطعاً در مورد زنان پیامبر (ص) نازل شده است؛ زیرا یکنواختی و وحدت سیاق آیات مقتضی است که آیه تطهیر نیز در شأن آنها باشد (حقی، بی‌تا: ۳۳۸).

در پاسخ بدین شبهه می‌توان گفت توجیه خطاب در آیه تطهیر به اهل بیت که اهل کساء هستند، هیچ‌گونه مخالفتی با سیاق آیات ندارد؛ زیرا:

الف) وقتی سیاق و نظم می‌تواند دلیل و حجت باشد که بدانیم گوینده از آغاز تا پایان سخن در صدد بیان یک موضوع است تا بخشی از سخن وی قرینه بخش دیگر باشد.

ب) هرگاه معلوم شود که گوینده در صدد بیان یک موضوع واحد نیست، بلکه چند مسأله متعدّد و مختلف از نظر احکام و موضوع را بر می‌شمارد، می‌تواند توجیه‌گر بیان او بوده، بین موضوعات گوناگون جمع و مسائل مختلف آن را به هم ربط دهد.

ج) وحدت سیاق مستلزم وحدت موضوع و حکم نیست؛ زیرا ممکن است شیوه بیان ایجاب کند که گوینده بعضی از جنبه‌های دیگر مسأله مورد نظر را هم اگرچه از نظر طبیعت و ماهیت با آن اختلاف داشته باشد، بیان کند. از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «هیچ چیزی مانند قرآن از عقل و قیاس انسان به دور نیست، چه اول یک آیه درباره چیزی است و آخر آن درباره چیز دیگر و سخن متصلی است که قابل تصرف به چندین وجه می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۹۹: ۹۵). از امام صادق (ع) هم به همین مضمون روایت نقل شده است (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۹۸۳م، ج ۱۸: ۱۵۰).

آنچه مهم است این است که مثالی که امامان (ع) در این باره فرموده‌اند، آیه تطهیر است. از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «از عقل و قیاس مردمان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست، چه اول آیه درباره یک چیز، وسط آن درباره چیزی و آخرش درباره چیز دیگری فرود می‌آید. سپس فرمود: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (عیاشی، بی تا، ج ۱: ۱۷).

د) تمسک به وحدت سیاق برای فهم آیه در صورتی صحیح است که نصّی در کار نباشد و یا بودن نصّی تکیه بر سیاق آیات باطل و اجتهاد در برابر نص است.

۴) شبهه دیگری که مطرح کرده‌اند این است که آیه تطهیر به سایر امامان تعلق ندارد، لذا می‌گویند «اگر آیه تطهیر را به ۵ تن منحصر بدانیم، پس چگونه است که آن را شامل سایر امامان دوازده‌گانه بدانیم؟» (سالوس، ۴۱۳ق: ۷۵). در پاسخ می‌توان گفت روایات متعدّدی که در منابع فریقین موجود است، پیامبر (ص) امامان پس از خود را دوازده تن و همگی آنها را معصوم و مطهر از گناهان و پلیدی‌ها معرفی فرموده است؛ به عنوان نمونه:

«قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبِيَّائِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: پیامبر (ص) فرمود: امامان پس از من به عدد نביاء و رهبران بنی اسرائیل دوازده نفرند که همگی آن‌ها امین با تقوا و معصوم هستند».

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ: پیامبر (ص) فرمود: من، علی، حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین (از همه گناهان و پلیدی‌ها) مطهر و معصوم هستیم» (صدوق بی تا: ۲۲۶).

شباهت دیگری پیرامون آیه تطهیر مطرح کرده‌اند که به خاطر طولانی شدن از ذکر آنها صرف نظر شد و خواننده به دو منبع «قاسمی، ۱۴۱۵ق: ج ۵ و آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۲» ارجاع داده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتایج زیر را بدست آورد:

- ۱- واژه «اهل‌البیت» در لغت و حتی در قرآن کریم معانی عالی دارد و بر تمام کسانی که ارتباط با صاحب بیت دارند، از نظر عرف، اهل آن خانه به حساب می‌آیند، چنان‌که بر همسر حضرت ابراهیم (ع) اطلاق شده است.
- ۲- با توجه به قراین داخلی و خارجی «اهل‌البیت» در این آیه شریفه مصادیق خاصی دارد و معانی لغوی آن مراد نیست.
- ۳- کسانی جزء اهل بیت شمرده می‌شوند که دارای سنخیت روحی لازم با پیامبر اسلام (ص) باشند.
- ۴- پیغمبر (ص) به عنوان مفسر به صورت‌های گوناگون حضرت علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) را مصادیق آیه تطهیر معرفی فرمود و عمل آن حضرت (ص) نشان می‌دهد که آن بزرگواران این سنخیت روحی را دارا بودند.
- ۵- قرآن و اهل بیت (ع) ارتباط محکمی با یکدیگر دارند که این ارتباط تا روز قیامت باقی است.
- ۶- اهل بیت رسول خدا (ص) از هر گونه اشتباهی معصوم هستند؛ زیرا لازمه حجت بودن قول و فعل آنان برخورداری ایشان از مقام عصمت است.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

آلوسی، محمودبن عبدالله. (۱۴۰۵ق). *تفسیر روح المعانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ابن هشام، أبو محمد عبد الملك بن هشام. (بی تا). *سيرة ابن هشام*. بی جا. راغب اصفهانی، أبو القاسم حسین بن محمد. (۱۳۷۸). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- ابن الحجاج القشیری، مسلم. (بی تا). *صحیح مسلم*. القاهرة: مکتبه محمد علی صبیح. ابن حنبل، احمد. (بی تا). *مسند*. بیروت: دار الفکر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). *تجلی ولایت در آیه تطهیر*. چاپ اول. قم: نشر اسراء. حرّ عاملی، محمد بن الحسین. (۱۹۸۳ م). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. حسکانی، عبدالله بن احمد. (۱۳۷۰). *شواهد التنزیل*. قم: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی قم.
- حقی، اسماعیل. (بی تا). *روح البیان*. لبنان - بیروت: دار التراث العربی. رازی، فخرالدین محمد. (بی تا). *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار الفکر. سالوس، علی احمد. (۱۴۱۳ ق). *عقیده الإمامه عند الشیعه الاثنی عشریّه*. بی جا: دار الإعتصام.
- شوشتری، قاضی نورالله، *احقاق الحق*، آیت الله مرعشی، قم، بی تا. صدوق، علی بن بابویه. (بی تا). *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: مسجد مقدس جمکران. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸ ق). *امالی*. قم: اندیشه قم.
- عروسی حویزی، شیخ عبدالعلی. (بی تا). *نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان. عیاشی، محمد بن مسعود. (بی تا). *تفسیر عیاشی*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیّه.
- فیومی، احمد ابن محمد. (۱۴۰۹ ق). *المصباح المنیر*. چاپ اول. قم: مؤسسه دارالهجره. قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۵ ق). *تفسیر القاسمی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. قرطبی، محمد ابن احمد، (۱۴۲۳ ق). *تفسیر قرطبی*، دارالکتاب العربی، بیروت. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۴ ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مصطفوی، حسن. (۱۳۹۵ق.). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر  
الکتاب.  
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). *آیات ولایات در قرآن*. چاپ چهارم. قم: انتشارات نسل  
جوان.